

درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبیٰ نوره مفیدی

تاریخ: ۲۵ آبان ۱۳۹۳

مصادف با: ۲۲ محرم الحرام ۱۴۳۶

جلسه: ۲

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: روش تفسیری اجتهادی

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از روش‌های تفسیری عرض کردیم دو روش تفسیری اصلی وجود دارد؛ یکی روش تفسیری نقلی (مأثور) دوم روش تفسیری عقلی. روش تفسیری نقلی در واقع شامل تفسیر آیات به آیات و آیات به روایات (نزد شیعه) و تفسیر آیات به آیات و روایات و نظر صحابه و تابعین (نزد اهل سنت) می‌شود. البته تفسیر نقلی از آنجا که نزد شیعه بیشتر تأکید بر روایات شده بعضاً به معنای خاصش به تفسیر روایی هم شهرت پیدا کرده است. رأی صحابه و تابعین به نظر ما (شیعه) در تفسیر دخالتی ندارد، بلکه آنچه نزد ما معتبر است بیانی است که از پیامبر (ص) در رابطه با کتاب رسیده باشد (طبق قرآن) و همچنین بیان اهل بیت پیامبر (ع) که ملحق به پیامبرند (بنا بر حدیث ثقلین).

یادآوری

البته ما یک بحثی را در بخش منابع تفسیر اجمالاً مطرح کردیم تحت عنوان حجیت اخبار آحاد در تفسیر قرآن؛ چون در این مسئله اختلاف است که آیا خبر واحد فقط در احکام معتبر است یا در تفسیر هم حجت است و اساساً بحث کلی‌تری وجود دارد مبنی بر اینکه آیا خبر واحد در وقایع تاریخی هم حجت است یا خیر؟ ما در گذشته این بحث (حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن) را اجمالاً مطرح کردیم، بعضی از بزرگان از جمله شیخ مفید، شیخ طوسی و بعضی دیگر خبر واحد را در تفسیر قرآن مخصوصاً در مواردی که نیازمند علم و یقین است حجت نمی‌دانند و فقط خبر واحد را در احکام حجت می‌دانند اما بعضی دیگر از اصحاب و بزرگان از جمله مرحوم آقای خویی (ره) قائل به حجیت روایات تفسیری شده و ادله‌ای هم بر مدعای خود اقامه کرده‌اند که ما فعلاً وارد آن بحث نمی‌شویم. پس یکی از روش‌های تفسیری، تفسیر نقلی (مأثور) یا به معنای خاص، تفسیر روایی است، ما اجمالاً در رابطه با این روش تفسیری بحث کردیم، ادله رجحان تفسیر روایی بر سایر روش‌ها را ارزیابی و مورد اشکال قرار دادیم، اینکه منحصرأ طبق نگاه افراطی به این روش اخذ کنیم قطعاً قابل قبول نیست.

روش تفسیری اجتهادی

در مقابل روش نقلی، روش تفسیری اجتهادی وجود دارد، ما نخست باید ببینیم تفسیر اجتهادی به چه معناست، چند اصطلاح در رابطه با تفسیر اجتهادی وجود دارد که باید معلوم شود آیا مترادف با هم هستند یا بین آنها فرق است:

الف- اصطلاح تفسیر اجتهادی.

ب- اصطلاح تفسیر عقلی.

ج- اصطلاح تفسیر به رأی ممدوح. بعضی از مفسرین اهل سنت این اصطلاح را بکار برده‌اند.

در مقابل تفسیر به رأی ممدوح، تفسیر به رأی مذموم قرار دارد که آن را سابقاً مورد اشاره قرار دادیم. فرق است بین تفسیر به رأی، اعم از ممدوح و مذموم با تفسیر اجتهادی یا عقلی.

عمده بحثی که وجود دارد بین دو اصطلاح اول است؛ بدین معنا که تفسیر اجتهادی و تفسیر عقلی با هم مترادفند یا بین آنها تفاوت است؟

اصطلاح تفسیر به رأی ممدوح هم بین ما (شیعه) مصطلح نیست و ما اساساً تفسیر اجتهادی و عقلی را متفاوت با تفسیر به رأی می‌دانیم تا بخواهیم وصف ممدوح یا مذموم را برای آن ذکر کنیم، پس بحث عمده در رابطه با دو اصطلاح اجتهادی و عقلی می‌باشد که آیا این دو اصطلاح با هم مترادفند یا با هم تفاوت دارند و اساساً اگر مترادفند به چه معنا هستند و چنانچه بین آنها تفاوت وجود دارد مقصود از هر کدام چیست؟

کلمات مفسرین و صاحبان کتب تفسیر در رابطه با این دو اصطلاح (اجتهادی و عقلی) خیلی منقح و روشن نیست، بعضی از مفسرین این دو اصطلاح را یکی دانسته‌اند که اینک در بعضی از کتاب‌ها هم این دو اصطلاح به وسیله واو عاطفه به هم عطف شده‌اند و تبیین کرده‌اند که منظور از تفسیر اجتهادی و عقلی چیست. در بعضی از کلمات بین این دو اصطلاح تفکیک شده، کسانی هم که اصطلاح تفسیر عقلی را بکار برده‌اند خودشان در تبیین تفسیر عقلی اختلاف نظر دارند، لذا خیلی روشن نیست اساساً منظور از تفسیر اجتهادی و عقلی چیست، حال ما اجمالاً تعریفی از این دو اصطلاح را عرض می‌کنیم:

تعریف تفسیر اجتهادی **تعریف مشهور**

مشهور می‌گویند: منظور از تفسیر اجتهادی این است که مفسر در مقام کشف مقصود و مراد خداوند تبارک و تعالی از قوه فکر و تعقل و اندیشه خود استفاده کند و به نقل تنها (آیات و روایات) اکتفا نکند بلکه از نیروی فکر و تعقل و اندیشه خود برای کشف مراد و مقصود خداوند متعال کمک بگیرد. طبق این اصطلاح روش تفسیری اجتهادی در واقع به معنای کمک و استمداد از شواهد و قرائن داخلی و خارجی است؛ یعنی وقتی عقل از آیات دیگر و روایات به عنوان یک ابزار برای کشف مقصود یک آیه استفاده می‌کند تفسیر اجتهادی می‌باشد. البته این شواهد لزوماً محصور در آیه و روایت نیست.

نکته: روش اهل بیت (ع) هم در تفسیر قرآن، روش تفسیری اجتهادی بوده، یعنی روشی که اهل بیت (ع) در مقام تعلیم و تبیین به دیگران استفاده می‌کرده‌اند روش تفسیری اجتهادی بوده؛ به این معنی که مثلاً در سؤالاتی که سائل درباره آیه‌ای از آیات قرآن از امام (ع) می‌پرسید، امام (ع) در پاسخ سائل به آیه‌ای از آیات قرآن استدلال می‌کردند، بنابراین روشی که اهل بیت (ع) در تبیین آیات قرآن برای دیگران داشتند، روش تفسیری اجتهادی بوده است. نه اینکه ائمه (ع) برای فهم خودشان از یک آیه، روش تفسیری اجتهادی را اختیار کرده باشند؛ چون حقیقت وجود اهل بیت (ع) متحد با حقیقت قرآن است و به تعبیر بزرگان قرآن و اهل بیت (ع) حقیقتاً در عالم معنی یک چیز هستند و در عالم ماده دو صورت پیدا کرده‌اند، لذا صورت اهل بیت و قرآن متفاوت است و گر نه حقیقت آن دو یک چیز است و به همین خاطر است که از اهل بیت (ع) به قرآن ناطق تعبیر می‌شود.

پس روش اجتهادی طبق بیان مشهور عبارت است از اینکه انسان به مدد عقل، فکر و اندیشه خود از شواهد و قرائن داخلی و خارجی معنای آیه را استنباط کند و این در واقع کار عقل است که از جمع‌بندی آیات و روایات و مجموعه شواهد یک معنایی

را بدست آورد. در این اصطلاح (روش تفسیری اجتهادی) تفسیر اجتهادی در کنار نقل بر پایه عقل هم استوار است ولی عقل در این فرض ایزاری است که به فهم مراد و مقصود خداوند متعال کمک می‌کند و نقشی بیش از این ندارد، بعضی به این روش (روش تفسیری اجتهادی) روش تفسیری عقلی هم گفته‌اند، یعنی اصطلاح روش تفسیری اجتهادی و عقلی را برای این روش تفسیر بکار برده‌اند.

بررسی تعریف مشهور

اشکال تعریف مشهور این است که اگر عقل فقط به مدد آنها بخواهد معنای آیه را بفهمد و تبیین کند تفاوتی با تفسیر نقلی نخواهد داشت، مگر کسانی که تفسیر نقلی را پذیرفته و فقط تأکید به تفسیر نقلی دارند و می‌گویند: راه عقل برای تفسیر بسته است منظوری غیر از این دارند؟ اگر کسی ادعا کرد ما فقط می‌خواهیم قرآن را به کمک آیات و روایات تفسیر کنیم و عقل هیچ نقشی در تفسیر قرآن ندارد، منظور چنین شخصی از انکار نقش عقل در تفسیر قرآن، انکار فکر و اندیشه مفسر نیست تا گفته شود مطلقاً عقل هیچ نقشی در تفسیر قرآن ندارد؛ چون کسی که در مقام تفسیر قرآن است هر چند فقط روش تفسیری نقلی را پذیرفته باشد ولی در مقام تفسیر، وقتی از آیات و روایات کمک می‌گیرد در حقیقت از فکر و اندیشه خود کمک می‌گیرد، بنابراین طبق بیان مشهور از تفسیر اجتهادی باید بگوییم این روش تفسیری (روش اجتهادی) با روش نقلی تفاوتی نخواهد داشت در حالی که بین این دو تفاوت است.

بله گروهی از مفسرین که به طور کلی باب عقل را مسدود و مورد تخطئه قرار می‌دهند و حتی در حد ابزار، برای کشف معنی و مقصود خداوند از آیه، به عقل، نظری ندارند حسابشان جداست، این گونه افراد نقش عقل در تفسیر را حتی در حد ابزار هم قبول ندارند.

پس طبق بیان مشهور در تبیین روش تفسیری اجتهادی باید بگوییم به یک معنی حتی تفاسیر نقلی و روایی هم در دایره روش تفسیر اجتهادی قرار دارند و این نشان‌گر این است که شاید این تعریف (نظر مشهور) از تفسیر اجتهادی تعریف کاملی نباشد.

تعریف صحیح

تعریف صحیح از روش اجتهادی تفسیری، تعریفی است که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت. ولی قبل از آن لازم است مطلبی را مقدمتاً از آیت الله جوادی آملی (حفظه الله تعالی) نقل کنیم.

ایشان می‌فرماید: نقش عقل در رابطه با تفسیر بر دو گونه است:

(الف) تارة عقل به عنوان مصباح می‌باشد (عقل مصباح).

(ب) اخری به عنوان منبع می‌باشد (عقل منبع).

بحث جلسه آینده: اینکه منظور از عقل مصباح و عقل منبع چیست را ان شاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»